

**Original Article**

**The Role of Safavid Immigrant Physicians in Promoting Persian Language in the Indian Subcontinent**

**Zahra Eslami Fard<sup>1</sup>, Nozhat Ahmadi<sup>2\*</sup>, Bhzad Karimi<sup>3</sup>, Farzaneh Ghaffari<sup>4</sup>**

1. Student of Islamic History and Civilization, University of Islamic Sciences. Tehran, Iran.

2. Associate Professor, History Department, University of Isfahan. Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

Email: n.ahmadi@Itr.ui.ac.ir

3. Assistant Professor, Iranian Studies Department, Meybod University. Meybod, Iran.

4. Assistant Professor, School of Traditional Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences. Tehran, Iran.

Received: 28 May 2016    Accepted: 9 Oct 2016

**Abstract**

**Background and Aim:** An Iran and India have a cultural relation from distant past, but this relation was being deeper in the Timuriyan era. Persian language entered in subcontinent in Soltan Mahmood Ghaznavids era in the end of 4th century. But it's the pinnacle of progress was in Timuriyan era that it was changed to the official language of court and scholars, politics and religion. The wild migration of Iranian physician to Indian was a social rare phenomenon in Safavid era that created the sensible changes in the cultural, scientific and literary history of subcontinent. The aim of this study is the analysis of the Safavid era migrant physician's role in the development of persian language and literature in subcontinent.

**Material and Methods:** This study was conducted by investigation of the historical books of Timuriyan era and Safavid era and articles related to the subject under discussion using a descriptive-analytical method.

**Findings:** Some of the migrant physician were considered a part of poets classes too. The establishment of literary association for the poets by Hakim Gillani and Abdol Rahim khankhanan provided poets development. The important Persian Encyclopedia such as Jahangiri Encyclopedi, Borhan Encyclopedia and Rashidi Encyclopedia were compiled. The Persian medical books about musician, veterinary and pharmacy were compiled too.

**Conclusion:** Iranian physician have an important role in Indian culture and civilization in Timuriyan era. They caused the reinforcement of Persian literature by writing their works in Persian language. This event has been possible due to Timuriyan kings welcomed and their support from Iranian physician.

**Keywords:** Timuriyan Era; Hakim Abolfath Gillani; Hakim Arzani; Indian Subcontinent

**Please cite this article as:** Eslami Fard Z, Ahmadi N, Karimi B, Ghaffari F. The Role of Safavid Immigrant Physicians in Promoting Persian Language in the Indian Subcontinent. *Med Hist J* 2016; 8(28): 19-26.

## نقش پزشکان مهاجر عصر صفوی در ترویج زبان فارسی در شبه‌قاره هند

زهرا اسلامی‌فرد<sup>۱</sup>، نزهت احمدی<sup>۲\*</sup>، بهزاد کریمی<sup>۳</sup>، فرزانه غفاری<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکترای مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم، قم، ایران.

۲. عضو هیأت‌علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان و همکار قطب علمی مطالعات فرهنگ و تمدن شیعه در ایران، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: n.ahmadi@Itr.ui.ac.ir

۳. استادیار، عضو هیأت‌علمی گروه ایران‌شناسی میبد، میبد، ایران.

۴. استادیار، مدیر گروه مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۵/۳/۸ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۱۸

### چکیده

**زمینه و هدف:** از گذشته دور، ایران و هند دارای ارتباط فرهنگی بودند، ولیکن در دوره تیموریان این ارتباط عمیق‌تر گردید. زبان فارسی در اواخر قرن چهارم، در عصر سلطان محمود غزنوی به طور گسترده وارد شبه‌قاره هند شد، اما اوج پیشرفت آن، در دوره تیموریان بود که به زبان رسمی دربار و زبان اهل علم، سیاست و دین مبدل گردید. مهاجرت گسترده پزشکان ایرانی به هند پدیده نادر اجتماعی عصر صفوی بود که در تاریخ فرهنگی، ادبی و علمی شبه‌قاره هند تغییرات محسوسه را به وجود آورد. هدف این مطالعه تحلیل نقش پزشکان مهاجر عصر صفوی در گسترش زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره هند است.

**مواد و روش‌ها:** این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، با استفاده از کتب تاریخی عصر صفویه و تیموریان و نیز مقاله‌های مرتبط با موضوع صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** برخی از اطباء مهاجر به هند جزء طبقات شعرا نیز محسوب می‌شدند. تأسیس انجمن ادبی برای شاعران توسط حکیم گیلانی و عبدالرحیم‌خان خانان اسباب پیشرفت شعرا را مهیا نمود. فرهنگ‌نامه‌های مهم فارسی از قبیل فرهنگ‌نامه جهانگیری، فرهنگ‌نامه برهان و فرهنگ‌نامه رشیدی تدوین گردید. کتاب‌های پزشکی فارسی در موضوعات پزشکی، دامپزشکی و داروسازی تألیف شد.

**نتیجه‌گیری:** پزشکان ایرانی سهم به‌سزایی در فرهنگ و تمدن دوره تیموری هند داشتند. آنان با نگارش آثار خود به زبان فارسی سبب تقویت بار علمی ادبیات فارسی شدند. این امر با توجه به استقبال پادشاهان تیموری و حمایت آنان از پزشکان ایرانی میسر شد.

**واژگان کلیدی:** تیموریان؛ حکیم ابوالفتح گیلانی؛ حکیم شاه ارزانی؛ شبه‌قاره هند

## مقدمه

زبان فارسی آمیزه‌ای از دو زبان هند و ایرانی است و میراث فرهنگی این دو سرزمین محسوب می‌شود. زبان فارسی ریشه بسیار قدیمی در زبان‌های هند و اروپایی دارد (۱). زبان فارسی یا دری در اواخر قرن چهارم، در عصر سلطان محمود غزنوی به طور گسترده وارد شبه‌قاره هند شد. پس از دوره غزنویان، اوج پیشرفت زبان فارسی در هند، در دوره تیموریان بود (۲). هم‌زمان با سلسله شیعی صفوی در قرن دهم، در هند سلسله تیموری زمام امور را در دست گرفت. سلسله‌ای مسلمان که از سال ۹۳۲ تا ۱۲۷۴ ق. در هند حکومت کرد. این سلسله با اسامی مختلفی چون بابر، گورکانیان و مغولان شهرت داشت. ظهردین بابر در لشکرکشی خود به هند در (۹۳۲ ق./ ۱۵۲۶ م.) دهلی و آگره را تصرف و سلسله تیموریان هند را بنیانگذاری کرد. از تأسیس این سلسله تا درگذشت اورنگ زیب، ششمین پادشاه تیموری (۱۱۱۸-۹۳۲ ق.) موج گسترده مهاجرت ایرانیان به هند آغاز گردید (۳). با روی کارآمدن اکبرشاه فصل جدیدی در توسعه زبان فارسی در شبه‌قاره هند رخ داد. وی، همه منشیان و کارمندان اعم از هندوان و مسلمانان هندی را ملزم به فراگیری زبان فارسی کرد. ماحصل آن، به وجود آمدن نسلی از منشیان فارسی‌نویس در ایالت‌های آگره، اوده، پنجاب و دهلی بود (۴). شاهان تیموری هند، زبان فارسی را زبان رسمی دربار خود و زبان اهل علم، سیاست و دین قرار دادند (۵). به نظر می‌رسد انتقال کامل علوم و فنون از جمله پزشکی به زبان فارسی در عهد اکبرشاه تیموری انجام گرفت. بدین ترتیب به تعبیر ملک‌الشعرا بهار در دهلی دربار بزرگ‌تری تشکیل شد که باید آن را دربار ثانی ایران نامید (۶). در این دوره فرهنگ ایرانی - اسلامی شکوه خاصی پیدا کرد، به طوری که سراسر شبه‌قاره هند، قلمرو زبان فارسی شد و زبان فارسی زبان رسمی، علمی و ادبی گردید (۲). نگارش به فارسی و الفاظ آن رواج پیدا کرد. پزشکان مهاجر نیز با نگارش آثار فاخر و فراوان خود به زبان فارسی باعث ترویج بیشتر آن شدند. نخستین فرهنگ‌نامه این دوره، «فرهنگ فتح الکتاب» نگارش «ابوالخیر بن سعدالانصاری» در سال ۹۹۱ ق. است (۷). سه فرهنگ‌نامه مهم فارسی دیگر نیز در دوره تیموریان تألیف

شد که عبارتند از: فرهنگ جهانگیری، فرهنگ برهان قاطع و فرهنگ رشیدی. پژوهش حاضر شرحی از تاریخ پزشکی ایران در شبه‌قاره هند است. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی در نظر دارد با نگاه اجمالی به علل مهاجرت پزشکان ایرانی، رابطه پزشکان ایرانی و هندی و تأثیر آنان در ترویج زبان فارسی در شبه‌قاره هند بپردازد و روشن نماید که آنان چگونه از طریق دانش پزشکی این خدمت را به زبان و ادب فارسی ایفا نمودند.

## بحث

ایران در دوره صفویه با یکی از رویدادهای نادر اجتماعی رو به رو شد و آن مهاجرت عده زیادی از افراد از طبقه‌های خاص به سرزمین دیگر بود. مهاجرت پزشکان ایرانی به هند را می‌توان مصداقی از این رویداد به شمار آورد. آمار و اطلاعات صحیحی از پزشکان مهاجر در دست نیست، حتی در این باره حدسی هم که نزدیک به حقیقت باشد، نمی‌توان زد. ابوالفضل علامی مورخ عصر اکبرشاه در آیین اکبری فهرستی از پزشکان تهیه نموده که نام ۲۹ پزشک هندو و مسلمان در آن ذکر شده است. در این فهرست نام تعدادی از پزشکان برجسته ایرانی مهاجر از جمله حکیم ابوالفتح گیلانی، حکیم شفایی و... دیده می‌شود (۸). حکیم علی کوثر جاندپوری در کتابی با عنوان اطبای عهد مغلیه (۱۹۵۵ م.) به شرح زندگی ۱۶۹ طبیب می‌پردازد که حدود ۴۰ تن آنان ایرانی‌تبار بوده و در قرون ۱۰ تا ۱۲ قمری از نقاط مختلف ایران چون گیلان، تبریز، شیراز و... به هند مهاجرت کرده‌اند (۹). همچنین بنا بر استقصایی که استاد گلچین معانی به عمل آورده‌اند، تعداد شاعرانی که از آغاز عهد شاه‌اسماعیل اول (۹۰۷ ق.) تا پایان سلطنت شاه‌سلطان حسین (۱۱۳۵ ق.)، به مدت نزدیک به دو قرن و نیم، ایران را به مقصد سرزمین هند ترک کرده‌اند، ۷۴۵ نفر بودند. آنان با وجود شاعری جزء طبقات و اصناف دیگر از جمله اطبا بودند (۹). حکیم مشهدی از اهالی مشهد بود که در شمار این شعرا می‌باشد (۱۰).

## ۱- نگاه اجمالی به عوامل مهاجرت پزشکان ایرانی به شبه‌قاره هند

بسیاری از مورخین و محققین، از دو حیطة تأثیرگذار عوامل داخلی و خارجی بر مهاجرت پزشکان ایرانی به شبه‌قاره هند یاد می‌کنند که به اختصار به آنان پرداخته می‌شود.

**۱-۱- عوامل داخلی:** عوامل سیاسی و عدم امنیت جانی سبب مهاجرت پزشکان به سرزمین هند بود. پس از آنکه شاه تهماسب گیلان را گشود، خان‌احمد فرمانروای گیلان را به زندان انداخت. مولانا عبدالرزاق گیلانی یکی از پزشکان برجسته گیلان را نیز به سبب علاقمندی به خان در قلعه الموت زندانی کرد و پس از مدتی وی در زندان درگذشت. مولانا عبدالرازق چهار پسر داشت که همه آنان پزشک بودند و پس از دستگیری پدر به هند مهاجرت کردند (۱۱). بی‌اعتنایی شاهان صفوی به برخی پزشکان نیز از دیگر عوامل هجرت بود. حکیم رکنا کاشانی از جمله پزشکانی است که در عصر شاه‌عباس صفوی می‌زیست و مورد توجه شاه بود، ولیکن مورد بی‌مهری شاه ایران قرار گرفت و از ایران به هند عزیمت نمود. او که در شاعری بیش از طبابت شهرت دارد، در مورد علت مهاجرت خود را چنین می‌سراید:

گر فلک یک صبحدم با من گران باشد سرش  
شام بیرون می‌روم چون آفتاب از کشورش (۱۲)

شاه‌تھماسب اول چنان به ارباب دانش و ادب بی‌اعتنا بود که بسیاری از دانشمندان و ادبای عصر وی ایران را ترک نمودند (۲)، در حالی که شاهان تیموری هند اهل شعر و ادب بودند و شاعران و صوفیان را بسیار گرامی می‌داشتند. در میان پزشکان مهاجر عده‌ای اهل عرفان و از صوفیه بودند، از جمله حکیم ارزانی که لقب شاه‌ارزانی را به خاطر ارادت به ارزان‌شاه از مشایخ فرقه قادری گرفته است. دکتر صفا درباره او می‌نویسد: «میرمحمداکبر معروف به شاه‌ارزانی از صوفیان پیرو «طریقه قادری» بوده است» (۲). از عوامل دیگر اثرگذار بر جامعه عصر صفوی که سبب ناامنی جامعه و در نتیجه مهاجرت عده زیادی از اهل دانش از جمله پزشکان شد،

قیام‌هایی بود که بر اثر ناخشنودی مردم از دولت بر پا می‌شد، از جمله این قیام‌ها، قیام غریب شاه‌گیلانی در دوره زمامداری شاه‌صفی است. حکیم داود از جمله پزشکانی بود که به دلیل ناخرسندی از قیام‌های عصر شاه‌صفی به هند مهاجرت کرد. حکیم داود به بهانه عزیمت به حج به سوی هندوستان روانه شد و در سال ۱۰۵۳ ق. به ملازمت شاه جهان رسید (۱۳). بر اساس گزارش‌های تاریخی به نظر می‌رسد که شاهان صفوی، قوای خود را صرف ترویج تشیع و تشویق علمای دینی کردند، اما در ترویج و توسعه دیگر علوم تلاش زیادی نمودند، در نتیجه صاحبان علوم غیر دینی از جمله پزشکان به دلیل نداشتن حمایت‌های مادی و معنوی حکومت به هند مهاجرت کردند تا از توجه و حمایت شاهان تیموری برخوردار شوند.

## ۲-۱- عوامل خارجی: شاهان هندی برخی از پزشکان

ایرانی را به این سرزمین فرامی‌خواندند. بر اساس روایت ابوالفضل علامی، یوسفی هروی پزشک ایرانی، اهل خواف خراسان که در هرات می‌زیست، به سبب فضل، دانش پزشکی و همچنین کتابت وی به دربار ظهیرالدین‌شاه فرا خوانده شد (۱۴). بسیاری از مناصب و مقامات بالای کشوری و لشکری به پزشکان مهاجر ایرانی سپرده می‌شد. از جمله پزشک پرنفوذ ایرانی، ابوالفتح گیلانی را می‌توان نام برد که صدرات گجرات، مالوه و دهلی به وی اعطا شد. نپاوندی درباره وی می‌نویسد: «حکیم ابوالفتح گیلانی از معززترین و محترم‌ترین اعیان دولت اکبرشاه بود و نفوذ و قدرت او هم‌پایه جعفر برمکی وزیر هارون الرشید بود و هر صاحب کمالی که از ایران وارد هند می‌شد، از اکرام او بهره بسیار می‌گرفت و به وسیله او به محضر اکبرشاه می‌رسید» (۱۰). فرهنگ‌دوستی و دانش‌پروری پادشاهان تیموری هند این سرزمین را برای اهالی علم و فرهنگ به تعبیر مولانا عبدالرزاق فیاض لاهیجی (متوفی ۱۰۷۲ ق.) قبله حاجات و کعبه فضل و هنر ساخت:

حبذا هند قبله حاجات      خاصه یاران عافیت جورا  
هر که شد مستطیع علم و هنر      رفتن هند واجب است او را (۱۵)

حوزه درسی و مطب بزرگی دایر کرد که در همه اطراف و اکناف شبه‌قاره شهرت یافت (۱۹).

گفته می‌شود در دوره تیموریان پزشکان برجسته، کتاب‌های پزشکی را که به زبان عربی نوشته شده بودند، مانند قانون، قانونچه و شرح الاسباب و العلامات و... را به همان زبان تدریس می‌کردند، اما به تدریج شرح و تفسیر را به فارسی بیان نمودند. سپس ترجمه آثار عربی به فارسی رواج یافت. در زمان اکبرشاه فتح‌الله شیرازی کلیات قانون ابن سینا را به فارسی ترجمه کرد، اما در ادامه نهضتی در نگارش آثار پزشکی به زبان فارسی انجام گرفت. پزشکان فارسی زبان، چه پزشکان ایرانی مهاجر به هند و چه پزشکان هندی آثار خود را به زبان فارسی به نگارش درمی‌آوردند (۱۹). بدین ترتیب پزشکان فارسی‌نویس عصر تیموریان هند با آثار خود علاوه بر رونق دانش پزشکی سبب غنی‌تر شدن بار علمی زبان و ادبیات فارسی گردیدند.

#### ۲-۱- تأثیر پزشکان مهاجر بر آثار پزشکی هند: آثار

نگارش‌شده در دوره صفوی به صورت مجربات (تجربیات بالینی)، رسالات (جزوه)، شرح و نیز چند قرآبادین یا کتاب داروشناسی است، در حالی که آثار پزشکی همان دوره در هند کتاب‌های مشروح پزشکی هستند که بیشتر به سبک قانون ابن سینا تدوین شده‌اند. به نظر می‌رسد تغییرات محسوسی در علم پزشکی در دوره صفوی رخ نداده است. اگر از پزشک اوایل این دوره، بهاء‌الدوله رازی بگذریم، پس از وی به ندرت شاهد کشف بیماری جدید و علائم آن هستیم. همچنین تعداد محدودی دارو به داروهای گذشته اضافه گردید. بنابراین کتب پزشکی قبل نیازمندی‌های پزشکان این دوره را برآورده می‌کرد و ضرورتی برای تألیف کتاب جدید نبود، اما این دوره در هند دوره شکوفایی علم پزشکی محسوب می‌شود. با مهاجرت پزشکان ایرانی به این سرزمین و حمایت پادشاهان مسلمان تیموری به ویژه جلال‌الدین اکبر، فضای مناسبی برای پیشرفت طب ایرانی فراهم آمد و پزشکان با فراغ بال به تحقیق، پژوهش، ترجمه و تألیف آثار بسیار پرداختند. آنان در موضوعات مختلف پزشکی نظری و عملی از جمله بیماری‌شناسی، علم معالجات، حفظ صحت، مجربات (تجربه‌های

در میان طبایب عهد تیموری، از زنی با کمال با نام ستی‌النساء خواهر طالب آملی، ملک‌الشعراى دربار شاه‌جهان (۱۰۶۸-۱۰۳۷ ق.) یاد شده است. او به سبب علاقه شدید به برادرش که چهارده سال پیش از وی به هند آمده بود، مهاجرت کرد (۱۶). رفتار سلاطین دهلی با پزشکان و خانواده‌های ایشان بسیار فیاضانه بود و پزشکان بر حسب مراتبشان مواجب هنگفت می‌داده‌اند، از جمله می‌توان حکیم داود را نام برد، هنگامی که از هندوستان بازگشت دارای مال و مکنت بسیاری بود. وی در مراجعت به اصفهان مسجد جامعی به نام «مسجد حکیم» بنا کرد که تا امروز از آثار عالی به شمار می‌رود (۱۷).

#### ۲- پزشکان هند و ارتباط آن‌ها با پزشکان ایرانی

بسیاری از پزشکان برجسته هندی دوره تیموریان دانش‌آموختگان مراکز علمی ایران بودند. حکیم جان‌دپوری در این رابطه بیان می‌کند: «ایران در قرن دهم و یازدهم قمری، نقش دانشگاه را برای هند داشت، دانش‌پژوهان هندی در مراکز مختلف علمی ایران به علم‌اندوزی پرداخته و پس از بازگشت به هندوستان بر حسب توانایی‌های خود مشغول به کار می‌شدند» (۱۸). عبدالباقی نهبانندی نیز می‌نویسد: «ایران مکتب‌خانه هندوستان است، در آنجا کسب کمال می‌کنند تا در هندوستان به کار برند» (۱۰). در عصر تیموریان خانواده‌های بزرگ هندی به پزشکی روی آوردند، از جمله دو خانواده که به خاندان شریفی و عزیزى موسوم هستند. نیاکان این خانواده‌ها مستقیم یا غیر مستقیم دانش‌آموخته پزشکان بزرگ گیلان و شیراز بودند (۱۹). یکی از پزشکان مشهور خاندان شریفی، خواجه خاوند محمود بود. وی از هند به شیراز آمد و در محضر مولانا عمادالدین شیرازی تحصیل پزشکی نمود و سپس به هند بازگشت. در زمانی که دهلی مرکز پزشکان مهاجر ایرانی و خانواده شریفی بود، در لکهنو نیز، در دربار شاهان اود بزم‌های پزشکان آراسته به وجود پزشکان برجسته ایرانی همچون حکیم عمادالدین شیرازی و میرزا محمدعلی حاذق شیرازی بود (۲۰). بزرگ خانواده عزیزى محمدیعقوب در محضر همین اساتید بزرگ ایرانی کسب علم کرد و در دنیای طبابت مرتبه بلندی کسب کرد. وی در لکهنو

روش حرف زده‌اند و الحال متعارف شده، به اشاره و راهنمایی و تعلیم ایشان بوده و آن دانشمند را حقی تمام بر سخن و اهل سخن هست» (۱۰).

حکیم حسینی شفائی (متوفی ۱۰۳۷ ق.): طبیب بسیار حاذق بود که به بیشتر علوم زمان خود تسلط داشت. قراپادین، یکی از مهم‌ترین آثار اوست. این کتاب یک فرهنگ دارویی است که به لحاظ نظم الفبایی، اختصار و در عین حال جامعیت به شدت مورد توجه بوده است. ژوزف لابروس فرانسوی، کتاب معروف فارموکوپیا پرسیکا را بر اساس این کتاب تدوین کرد و در سال ۱۶۸۰ در پاریس منتشر نمود (۲۴). از اشعار به جامانده از وی می‌توان به توانایی او در زبان و ادب فارسی پی برد. بیت زیر از سروده‌های وی است.

شفائی را تمام عمر در راه تو می‌بینم  
به کویت می‌رود یا از سر کوی تو می‌آید (۲۵)

صائب تبریزی در بیتی به مهاجرت وی اشاره دارد. از این بیت مقام ادبی شفائی آشکار می‌گردد:

در اصفهان که به درد سخن رسد حافظ  
کنون که نبض شناس سخن شفائی نیست (۲۶)

حکیمه ستی‌النساء (متوفی ۱۰۵۶ ق.): ستی‌النساء در زبان فارسی و فن قرائت تسلط داشت، با نظم و نثر این زبان نیز آشنا بود، لذا شاه جهان او را به دربار خود فراخواند و آموزش دخترش جهان‌آرا را به وی سپرد. او در مدت زمان کوتاهی کلام‌الله مجید و کتاب‌های فارسی را به جهان‌آرا تعلیم داد. ستی‌النساء به دلیل استعداد فراوان، توانایی در طب و مهارت در معالجه بیماری‌ها نفوذ بسیاری در قصر شاه‌جهان به دست آورد. مؤلف کتاب شاه‌جهان‌نامه درباره او می‌نویسد: «ستی‌النساء در معالجه امراض خطرناک و مسائل طب ید طولانی داشت» (۷).

حکیم میرمحمد اکبر شاه‌ارزانی (متوفی ۱۱۳۰ ق.): پزشکی ایرانی که تمام آثار خود را به فارسی نگاشت. به نظر می‌رسد حکیم ارزانی نه به دلیل بی‌توجهی به زبان عربی، بلکه با در

بالینی) و حتی دام‌پزشکی آثاری تألیف نمودند. در داروسازی نیز آثار ارزشمندی در موضوعات مختلف، چون داروشناسی، فرهنگ‌های دارویی و چگونگی ساخت داروهای مفرد و مرکب نگارش شد. یکی از متن‌های نگارش‌یافته در این عصر کتاب «طب اورنگشاهی» تألیف درویش محمد حکیم امن‌آبادی است که شامل خلاصه‌ای از طب کهن هند همراه با مبانی طب سنتی ایران می‌باشد (۲۱). دکتر محمود نجم‌آبادی در کتابی تحت عنوان «فهرست کتاب‌های چاپی فارسی طبی و فنون وابسته به طب» بخشی از این کتاب‌ها را در نهمصد صفحه لیست نموده است. افزون بر این فهرست، حکیم نیر واسطی نیز فهرستی از نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های خدابخش بانکپور، پنجاب، رامپور، دانشکده شاه‌ولی‌الله (شاه‌ولی‌الله کالج)، حیدرآباد (دکن) ارائه کرده است (۱۹). این حجم کتاب پزشکی به زبان فارسی نشان‌دهنده عمق استحکام زبان علمی پزشکی فارسی در شبه‌قاره هند است.

در این نوشتار مجال پرداختن به شرح حال و خدمات همه پزشکان مهاجر میسر نیست، لذا برخی از آنان به اختصار معرفی می‌گردند.

حکیم یوسفی هروی (متوفی ۹۵۰ ق.): نخستین پزشکی بود که تصنیف و تألیف در پزشکی عهد تیموریان هند را آغاز نمود. به کاربردن شعر برای یادگیری سریع و انتقال آسان مفاهیم پزشکی به عامه مردم یکی از ویژگی‌های پزشکی ایران است. وی علاوه بر اشعار طبی در مضامین دیگر نیز شعر می‌سرود. منظومه طبی «جامع‌الفوائد» از جمله آثار مهم این حکیم است (۲۲).

حکیم میرابوالفتح گیلانی (متوفی ۹۹۷ ق.): پزشک و ادیب ایرانی ملقب به مسیح‌الدین، نفوذ زیادی در دربار اکبرشاه داشت. ادبا، دانشمندان و شعرا مورد حمایت وی بودند (۲۳). گفته می‌شود حکیم گیلانی با همکاری عبدالرحیم‌خان خانان (از امرای دولت اکبرشاه) یک انجمن ادبی برای شاعران بنیانگذاری کرد که اسباب پیشرفت شعرا در این فن را مهیا نمود. نهایندی می‌نویسد: «مستعدان و سخن‌سنجان این زمان را اعتقاد این است که تازه‌گویی که درین زمانه در میان شعرا مستحسن است و شیخ فیضی و مولانا عرفی شیرازی و... به آن

نظرگرفتن منافع عمومی زبان فارسی را برگزید. وی دلیل ترجمه شرح‌الاسباب و العلامات را بدین‌صورت بیان کرده است: «بنای علیه در خاطر حقیر ریخت که آن مجموعه کثیرالمنفع که در کمال متانت اعتبار است، جهت افاده عموم و استفاده به لسان فارسی از زبان عربی مترجم ساخته شود» (۲۷). علاوه بر تألیف آثار ارزشمند، او توانست بر پزشکان بزرگ بعد از خود، چون حکیم میرمحمدحسین عقیلی تأثیر گذارد. حکیم عقیلی در آثار خود چون خلاصه‌الحکمه، مخزن‌الادویه، قرابادین کبیر از نظرات طبی و کتب وی یاد می‌کند (۲۸).

### نتیجه‌گیری

روابط فرهنگی بین ایرانیان و هندیان از گذشته دور آغاز شد و در عهد تیموریان به اوج خود رسید. در این عصر، حمایت پادشاهان هند و مهاجرت شمار زیادی از دانشمندان و هنرمندان ایرانی زمینه رشد و تعالی فرهنگ و تمدن ایرانی و هندی را فراهم نمود. پزشکان ایرانی توانستند با خلق آثار پزشکی و ادبی تغییرات محسوسی در تاریخ پزشکی و ادبیات شبه‌قاره هند پدید آوردند. نگارش آثار پزشکی به زبان فارسی علاوه بر شکوفایی طب ایرانی، سبب گسترش و غنی‌تر شدن بار علمی ادبیات فارسی شد. آنان با استفاده از موقعیت اجتماعی خود و تأسیس انجمن ادبی به تقویت زبان و ادبیات فارسی پرداختند. نگارش آثار فراوان پزشکی و داروسازی بر مبنای آثار ارزشمند طبی رازی، ابن سینا و جرجانی منجر به رواج زبان فارسی گردید. بعد از زوال تیموریان تا سال ۱۸۳۳ میلادی نگارش آثار پزشکی به زبان فارسی ادامه یافت و زبان انگلیسی جایگزین آن شد.

نویسندگان هیچ تضاد منافی ندارند.

## References

1. Jalali Naini MR. Persian language and literature in the Indian subcontinent. Tehran: Iraj Afshar Yazdi's Endowments; 1986. Vol.2 p.730. [Persian]
2. Safa Z. History of literature in Iran. Tehran: Ferdows Publication; 1999. Vol.5 p.16, 360, 453. [Persian]
3. Hindu Shah MQ. Ferishta's History. Edited by Nasiri MR. Tehran: Cultural Heritage Society; 2008. Vol.1 p.201-202. [Persian]
4. Mostafavi Sabzevari R. Yadigar-e Hindustan. Tehran: Al-Hoda; 1982. p.169. [Persian]
5. Farshad M. History of science in Iran. Tehran: Amir Kabir; 1986. Vol.1 p.98. [Persian]
6. Bahar MT. Methodology. Tehran: Amirkabir; 1990. Vol.3 p.225-245. [Persian]
7. Shahriar Naghavi SH. Persian lexicography in India and Pakistan. Tehran: University of Tehran; 1955. p.75. [Persian]
8. Alami A. Ain-i-Akbari. Calcutta: Royal Asiatic Society; 1872. p.234. [Persian]
9. Golchin Ma'ani A. The Caravan of India. Mashhad: Printing and Publication Institution of Astan Quds Razavi; 1990. Vol.1 p.4. [Persian]
10. Nahavandi AQ. Massir-i-Rahimi. Calcutta: Asiatic society; 1926. Vol.3 p.46, 847-848, 1143. [Persian]
11. Foumani Gilani A. History of Gilan. Edited by Sotoudeh M. Tehran: Iranian Culture Foundation; 1970. p.48. [Persian]
12. Jahangir Shah. Tuzuk-e Jahangiri. Edited by Ahmad A. Aligarh: Matba Urdu; 1868. p.339. [Persian]
13. Salih Kanbuh M. Shah Jahan Nameh. Edited by Yazdani Q. Calcutta: Asian Association; 1812. Vol.2 p.77, 167-168, 282-392, 402, 435-443. [Persian]
14. Alami A. Akbarnama. Edited by Ahmad Ali A, Abdur Rahim M. Calcutta: Matba Mazhar al-Ajaib, 1877. Vol.1 p.187, 220-221, 270-271. [Persian]
15. Fayyaz Lahiji AR. Divan. Edited by Parvin Parishanzadeh A. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 1990. p.375. [Persian]
16. Lahori AH. Padshahnama. Calcutta: Asiatic Society; 1868. Vol.1 p.628-629. [Persian]
17. Azad Bilgrami Q. Ma'asir-ul-Kiram. Agra: Mufeed Aam Press; 1910. p.91, 286. [Persian]
18. Shahidi J. Mughal Physicians. Translated by Jandpoori SA. Tehran: Choogan; 2013. p.15. [Persian]
19. Vaseti N. History of Medical Relations of Iran and Pakistan. Tehran: University of Tehran; 1993. p.65-73, 88-124. [Persian]
20. Chagatai F. Rumuz al-Atibba. Lahore: Matba Lahore; 1928. Vol.1 p.65-66. [Persian]
21. Jahadi SA. A Review of Teb e Ourangshahi in Manuscript, a Medical Work of the Subcontinent. *Med Hist J* 2017; 9(32): 45-59. [Persian]
22. Emaratkar E, Karimi Z. Introduction of Jamie-Alfawayid. *Med Hist J* 2015; 7(24): 157-183. [Persian]
23. Bhakkari F. Dhakhirat al-Khawanin. Karachi: Pakistan Historical Society; 1961. p.195. [Persian]
24. Elgood C. A Medical and History of Persia the Eastern Caliphate. Translated by Farghani B. Tehran: Amir Kabir; 2007. p.412 [Persian]
25. Siddiq Hasan Khan N. Sham' e Anjuman. Bhopal: Matba-e Shah-Jahani; 1876. p.227. [Urdu]
26. Tabrizi S. Divan. Edited by Ghahreman M. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 1999. p.226. [Persian]
27. Arzani MA. Teb-e Akbari. Mashhad: Libraries, Museums and Documents Center of Astan Qudse Razavi; No Date. p.2. [Persian]
28. Arzani MA. Mizan Al-Teb. Tehran: Library, Museum and Document Center of Iran Parliament; No Date. [Persian]